

هفت جهان

جشن نوروز در یونسکو با اجرای شجریان وپورناظری

● **شرق**: گروه سیاوش به خوانندگی همایون شجریان و سرپرستی و آهنگسازی سهراب پورناظری در سازمان یونسکو در فرانسه به مناسبت ثبت جهانی نوروز روی صحنه می‌رود. این کنسرت به دعوت مشترک دکتراحمد جلالی سفیر ایران در سازمان جهانی یونسکو و ایرنا بوک‌وو مدیرکل سازمان یونسکو فردا، ۲۸ اسفند، برگزار می‌شود.
این برنامه شامل هفت‌قطعه خواهد بود که در این قطعات از اشعار حافظ، مولانا و اسحاق انور استفاده می‌شود. سهراب پورناظری (کمانچه)، حسین رضایی‌نیا (دف)، مهیار طریخی (سنتور)، آیین مشکاتیان (کوبه‌ای)، آزاد میرزاپور (تار) و تننا اشتیاقی (ویلنسل) هنرمندانی هستند که در این اجرا گروه سیاوش را همراهی می‌کنند.
گروه سیاوش در سال ۹۰ به مناسبت نکوداشت استاد محمدرضا شجریان تشکیل شد و طی این چندسال، کنسرت آیین‌ها را در کشورهای مختلف برگزار کرده است.

خبرسازان

واکنش انجمن تهیه‌کننده-کارگردانان به انتخابات خانه‌سینما

● **شرق**: مجمع فیلمسازان سینمای ایران که اخیرا با ثبت قانونی در وزارت کار و با تغییر نام به «انجمن تهیه‌کننده-کارگردانان سینما» ادامه فعالیت می‌دهد، با صدور بیانیه‌ای به انتخابات هیات‌مدیره خانه‌سینما واکنش نشان داد.
متن بیانیه این‌انجمن صنفی به این شرح است: «آنچه مسلم است برای ورود به اینگونه موضوعات مشارکت فعال همه بخش‌های سینمای ایران ام از تهیه، تولید، توزیع و نمایش و برقراری ارتباط سازنده و مستمر با سازمان سینمایی و نهادهای اثرگذار دیگر ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. ورود این انجمن به نمایندگی شورایعالی تهیه‌کنندگان در انتخابات اخیرخانه‌سینما مبتنی براین امید بود که با حضور نمایندگان تهیه‌کنندگان و کارگردان‌ها در هیات‌مدیره و پذیرفته‌شدن صنف پیش‌کنندگان در خانه‌سینما وفعال‌کردن حضور انجمن سینماداران در خانه، بتوان به اجماعی از اراده‌های صنفی دست یافت و با اتکا به نیروهای کارآزموده و درگیر با مسایل تهیه و تولید و توزیع و نمایش به سمت سحت‌وجوی راه‌حل‌های اجرایی برای حل آنها حرکت کرد. اما متأسفانه مشکلات اساسنامه‌ای و ساختاری حل‌نشده خانه‌سینما که به نیروهای شاغل در بخش تولید نزدیک به ۲۰آرای و برای سه‌بخش مهم دیگر سینما یعنی تهیه، توزیع و نمایش دویا سهرای قابل است، نه تنها فرصت چنین اجماعی را نداد و نمی‌دهد بلکه خانه‌سینما را از امکان حضور نماینده کارگردان‌ها که محور نیروهای شاغل در بخش تولید است نیز محروم کرد. بنابراین چاره‌ای را که این انجمن برای ورودت از این تنگنای صنفی پیش‌روی سینمای ایران می‌بیند، ضمن تلاش برای اصلاح اساسنامه و ساختار خانه، تجمیع اصناف بخش‌های تهیه و توزیع و نمایش و بازتعریف مناسبات صنفی آنها برای جلوگیری از بروز مشکلات بیشتر در بخش خصوصی آسیب‌پذیر سینمای ایران است. به‌نظر می‌رسد نیروهای شاغل در بخش تولید نیز که اینک خانه‌سینما را در اختیار دارند، می‌توانند با استفاده از این فرصت به سروسامان‌دادن مسایل صنفی و رفاهی خود بپردازند و از طریق ارتباط و همکاری با بخش‌های تهیه و توزیع و نمایش عملا روند اصلاح اساسنامه و ساختار خانه‌سینما را تحقق ببخشند.»

برده نقرهای

۲۰اردشغال صندلی برای فیلم‌های مستند هنر و تجربه

● شورای سیاستگذاری هنر و تجربه در آماری، میزان فروش، تعداد سانس‌ها و تعداد تماشاگران فیلم‌های مستند به‌نمایش‌رآمده در گروه سینمایی هنر و تجربه را اعلام کرد. بررسی این آمار نشان از ضرب ۲۰درصدی اشغال صندلی‌های سینمای مستند در سینماهای این گروه دارد. شورای سیاستگذاری گروه سینمایی هنر و تجربه در تحلیل بیانیه‌ای کوتاه که در این‌باره منتشر کرده، تحلیل می‌کند: «این اتفاق می‌تواند برگ افتخار دیگری باشد که از حمایت مخاطبان فرهیخته سینمای نجیب هنر و تجربه ناشی می‌شود. افتخاری که کلیه علاقه‌مندان و دست‌اندرکاران این نوع سینما را به آینده پربار سینمای ایران امیدوار می‌نماید. شورای سیاستگذاری و کلیه دست‌اندرکاران اجرایی سینمای هنر و تجربه برخورد می‌بالند که توانسته‌اند روزنه‌ای هرچند کوچک برای دیده‌شدن سینمای مستند بر پرده سینماهای کشور بگشایند تا این سینمای پایه و تأثیرگذار بتواند نقش اصلی خود را در ارتقای سطح سینمای ایران به‌درستی ایفا نماید.» در مدت پنج‌ماهی که از اکران آثار مستند در گروه سینمایی هنر و تجربه گذشته، تاکنون فیلم‌های «شش‌قرن، شش‌سال»، «۱-۲»، «از ایران یک جدایی»، «که‌زیرک چهارنگاه»، «عروسک» و «خاطراتی برای تمام فصول» به نمایش درآمده است.

ابوالحسن داوودی، یکی از کارگردانان صاحب‌سبک و شناخته‌شده این‌روزهای سینمای ایران است که با درکارنامه‌داشتن یک فیلم توقیفی، پس از شش‌سال انتظار، سرانجام فیلم «رخ دیوانه» را به اکران نوروزی ۹۴ آورده است. به بهانه اکران این فیلم با داوودی گفت‌وگویی در آستانه نوروز داشتیم.

■ **مشکلات اکران عمومی فیلم «زادبوم» بعد از شش‌سال همچنان پابرجاست، ولی سال۱۳۹۳ فیلم «رخ دیوانه» را ساختید. قبل از هرچیز می‌خواهم بدانم سرانجام «زادبوم» چه خواهد شد؟**

ان‌شاءالله عاقبت خوبی خواهد داشت. «زادبوم» هفت، هشت‌ماه قبل، پروانه نمایش گرفت و مشکلی برای اکران ندارد. منتها اختلاف‌نظری با مدیران حوزه هنری به‌وجود آمد. چون حوزه هنری ۶۰درصد سرمایه‌گذار این فیلم است. از آنجا که من تهیه‌کننده این کار بودم، عملا می‌توانستم فیلم را اکران کنم و ۶۰درصد عوارض حوزه را به آنها پس دهم. اما احساس کردم به فضای آرام‌تری احتیاج داریم، چون در این فضا می‌توانیم بعضی از مشکلاتی که هست را نه‌تنها در مورد این فیلم، بلکه درباره فیلم‌های دیگری نیز حل کنیم. خوشبختانه مقدمات این مساله فراهم شده. با این مقدمه نمایش فیلم «رخ دیوانه» زودتر اتفاق افتاد و در این اکران از خدمات سینمای‌های متعلق به سینمای حوزه هم برخوردار شدم. ازاین‌نظر اتفاق خوبی افتاد تا بعدا راحت‌تر بتوانیم با همکاری حوزه فیلم «زادبوم» را هم اکران کنیم.

■ **یعنی سوءتفاهات نسبت به فیلم «زادبوم» به‌طورکامل مرتفع شده؟**

واقعیت این است که «زادبوم» بیشتر دستخوش سوءتفاهات بود تا اینکه مشکل جدی داشته باشد. همان موقع که فیلم در جشنواره فیلم فجر اکران شد، فیلم دچار گرفتاری‌هایی هم شد. اما بعدا در کمال شگفتی متوجه شدم که فیلم هیچ‌وقت توقیف نبوده است!

■ **یعنی حتی در زمان مدیریت آقایان شمعدری و سجادیپور؟**

بله، حتی آن زمان فیلم در شورای پروانه نمایش مطرح شده و اصلاحیه خورد. اما عجیب این بود که هیچ‌وقت این اصلاحیه‌ها به من که تهیه‌کننده فیلم هم بودم، اعلام نشد!

■ **تحلیل شما از این قضیه چیست؟**

شاید دوستان به‌دلیل شخصی سعی داشتند که این فیلم خیلی مطرح نشود. چون این فیلم در جشنواره فیلم فجر چند جایزه گرفت. در بخش بین‌الملل دواجیزه سیمرغ دریافت کرد. در بخش سینمای ایران هم سیمرغ گرفت و مهم‌تر اینکه با گرفتن سیمرغ طلایی «نگاه ملی» مورد تایید هم واقع شد. بعد از وقایع سال۱۳۸۵ به نظر می‌رسید که حساسیت‌ها آنقدر زیاد شده که در بعضی موارد برخورد عقلایی ضعیف شده است. فیلمی که سه‌سال قبل لطفه فکر آن بسته شده بود را به زمان حال تسری دادند و درنهایت نمایشش درآن شرایط مجاز به‌نظر نرسید.

■ **شاید هم سوءتفاهات موجب شد که ترس سایه بیندکند؟**

شاید براساس این قول معروف «سری که درد نمی‌کند، دستمال نمی‌بندند» ترجیح دادند فیلمی مثل «زادبوم» اکران نشود تا مشکلات خودشان کمتر شود.

■ **شرایط فعلی برای شما مطلوب است. «رخ‌دیوانه» سه‌جایزه مهم جشنواره را گرفت. این روزها هم اکران شده. اما اگر کمی عقب‌تر برویم شش‌سال از سینما فاصله گرفتید که زمان کمی نیست. دوری شش‌ساله‌تان را چگونه تحلیل می‌کنید؟**

قباسی که می‌کنم مع‌الافاق است و قصد مقایسه ندارم. اما لمسون ماندلا مع ۳۰ سال صبر کرد تا بتواند حرف خود را به کرسی بنشاند. گاهی اوقات صبر بسیاری از مشکلات را حل می‌کند. اگر بخواهید با مساله‌ای آشوبگرانه برخورد نکنید، چاره‌ای هم جز صبر نیست. اصولا در کشور ما رسم بر این است که باید زمان بگذرد تا ثابت شود که حقایق با چه کسی و کدام عقیده است. به‌خصوص در فضایی مواج سیاسی، آدم‌ها در هرلحظه از روی آب به زیر آب می‌روند. برای من این بحث مهمی است. من با کسی، مساله شخصی ندارم. من حتی در جلسه مطبوعاتی فیلم جشنواره فجر امسال، از کسانی که این فرصت شش‌ساله را برای من فراهم کردند صادقانه تشکر کردم. این حرف به بعضی‌ها برخورد.

در حالی که من از ته دل تشکر کردم. برای اینکه مقاطعی است که شرایط آزاردهنده، کسل‌کننده و افسرده‌کننده به‌نظر می‌رسد. اما همیشه موهبت‌هایی هم در کنار آن به وجود می‌آید. به این معنی که فرصتی برایتان فراهم می‌شود که بار دیگر به خودسزای دست بزنید. ازسوی‌دیگر هم به دلیل همراهی همسرم که تهیه‌کندگی فیلم «رخ‌دیوانه» را عهده‌دار بودند، فرصتی برابرم فراهم شد تا روی فیلمم متمرکز شوم و بدون کمک او اصل امکان ساخته‌شدن این فیلم وجود نداشت. حتی امکان فکرکردن به آن هم محال بود. البته ما از ابتدای زندگی مش‌ترکمان اصلی را بنا گذاشتیم. اینکه زندگی‌مان را بر مبنای چیزی قرار دهیم که به ما

هنر



گفت‌وگوی «شرق» با ابوالحسن داوودی درباره فیلم «رخ دیوانه»

هزارویک‌شب‌مدرن

فرانک آرتا

که وقتی به درون آنها نزدیک می‌شوید، متوجه می‌شویم درون‌شان با آنچه از بیرون قضاوت می‌کنیم زمین تا آسمان تفاوت دارد.
■ **اجازه بدهید توضیحی بدهم. مثلا واقعه‌ای در دنیای واقعیت رخ دهد، اما نگاه آدم‌ها نسبت به آن رویداد متفاوت است. اما گاهی اوقات صحبت از حقیقتی می‌شود که کاملا هویدا نیست و برداشت افراد نسبت به آن متکثر است. این دو نگاه کاملا متفاوت هستند.**

خب، من در «رخ دیوانه» از درون نگاه می‌کنم، به حقایق زیادی که در درون آدم‌ها نهفته است و هیچ‌گاه کشف نشده‌اند. ما در این فیلم شخصیت‌های مختلفی داریم که هریک از آنها به تماشاگر اجازه قضاوت نمی‌دهند. چون هرلحظه که قضاوت می‌کند، متوجه می‌شود که قضاوتش اشتباه است.

■ **خودش در یک گرداب می‌افتد؟**

تماشاگر متوجه می‌شود که قضاوت او کاملا اشتباه است. بعد دوباره بر مبنای داده‌های جدید سعی می‌کند باز قضاوت کند که باز متوجه می‌شود آن هم اشتباه است. من به‌عنوان کسی که علاقه‌افش به جامعه‌شناسی است قطعاً به آسیب‌های اجتماعی و لامه‌عمیق‌تر این آسیب‌ها فکر می‌کنم. یعنی اگر، قرار است در قصه‌ای به آن بپردازم، یک قصه جذاب، سرگرم‌کننده، پیش‌رونده برای تماشاگران بگیریم. فکر می‌کنم، موضوع اصلی قضاوت‌کردن بر مبنای سنت‌هایی باشد که به‌گونه‌ای در ما نهاده‌ین شده که شاید فرصت تمیز راست و درست و غلط را از ما گرفته است. فرصتی که من به این اصل برسم که دنیای شما به‌عنوان یک جوان، با دنیای من می‌تواند ارتباط، دیالوگ و بده‌ستان داشته باشد. اما قطعاً باید جایگاه‌هایی جداگانه داشته باشد. این جایگاه اصلا نباید با سلیقه من بخواند. اصلا نباید براساس معیارهای من درست شود. باید براساس معیارهای شما درست شود. در این شرایط

ممکن است بخشی از تجربه من به درد شما بخورد. اما کسی که آن را انتخاب می‌کند، شما هستید. کسی که فرمان می‌دهد من نیستم. اتفاقی که ما در جامعه خود می‌بینیم، تعارضات اجتماعی است که در خانواده‌ها شکل گرفته. شما در روزنامه اهل آمار هستید. هر چقدر به طرف جامعه و خانواده‌های سنتی می‌رویم این تعارضات بیشتر می‌شود و بیشتر هم اتفاق می‌افتد. در خانواده‌های متوسط ما تعارض داریم اما میزان آن کمتر است. خانواده‌هایی که دست‌درست هستند، مناسبات آنها با شرایط قبلی خیلی فرق نکرده است. این تعارضات در آنها خیلی کمتر است. من سال‌هاست دارم سعی می‌کنم از طریق آماری که از جاهای مختلف دریافت می‌کنم و همچنین باتجربه شخصی خودم، به تحلیلی برسم که این گسست طبقاتی و گسست نسل‌ها چرا اتفاق می‌افتد. الان ما با یک گروه از نسل جوانی روبه‌رو هستیم که همه چیز آنها با ما متفاوت است. این تفاوت، فراتر از تغییری است که در جامعه به‌وجود آمده است. به‌نظر من بخشی از آن عدم‌شناخت ارتباط درست است. یعنی چیزی که باعث شد جامعه در ۲۵-۳۶ سال قبل با شعار تشکیل اخلاقی‌ترین و شریاطی برسد که شاهدش هستیم. این فقط مربوط به نسل جوان نیست، بلکه در همه به‌وجود آمده است. طبیعی است وقتی به نسل جوان می‌رسد، نسل جوان دیگر احساس امنیت نمی‌کند، احساس آینده‌ربودن نمی‌کند، احساس اینکه گذشته او چیز بالارزشی بوده است را نمی‌کند. یک جوانی که نه به گذشته تکیه می‌کند و نه به آینده. تنها دستاویز او

زمان حال و شرایط حال است. شرایط حال چگونه است؟ شرایط حال، همان چیزی است که ما در دنیای مجازی، اقیانوسی از آن را می‌بینیم. من در فیلم خود با شخصیت‌هایی روبه‌رو هستم که نه آینده دارند و نه گذشته و تنها در زمان حال، بدون اینکه هیچ آرمانی را از گذشته یا آینده‌شان بخواهند، زندگیشان را می‌گذرانند. به آن چیزی که حقتشان هست برسند. این مساله که گفتید فضای سیاهی ترسیم کردید، نه. فضای واقعی را ترسیم کردم. به‌نظر من این فضای واقعی، سیاه نیست. مثل همه قهرمانان در فیلم‌ها، اینها از لحظاتشان لذت می‌برند. ممکن است یک‌دفعه در جایی که این آسیب‌ها دارد بروز می‌کند، حتی ما هم متاثر شویم. بلافاصله بعد متوجه می‌شویم که بقیه خودشان را به آن وابسته نمی‌کنند. اگر به ماندنا زمانی تجاوز شده، بالاترین تعرض به او توسط مادرش اتفاق افتاده است. بعد از اینکه می‌گذرد، زندگی خودش را می‌کند. حتی اگر خودتخریبی هم می‌کند، از آن لذت می‌برد. با زمان حال زندگی می‌کند.

■ **ولی تعریفی که از یک پدر و مادر در جامعه ابتدایی داریم عوض می‌شود. مادر ماندنا، زنی است که برای دخترش مشکلاتی به‌وجود می‌آورد. پدر غزل هم مشکلاتی به‌وجود می‌آورد؛ یعنی در واقع، اساسا همه چیز‌ما در جامعه دچار بازتعریف شده است؛ یعنی همه چیز به‌مرحله تقاطع را دیده‌اید؟**

■ **بله.**

به‌نظر من این شخصیت‌ها، ادامه شخصیت‌های فیلم تقاطع هستند.

■ **اصل روایت تقاطع همین است.**

ببینید این تغییر فقط در جوان‌ها نبوده است. در نسل ما هم بوده است؛ یعنی در نسل ما هم شخصیت‌هایی آرمان‌خواه با شخصیت‌هایی که هیچ‌گونه سر سازگاری با آرمان‌های آنها ندارند روبه‌رو شده‌اند، گاهی می‌جنگند، گاهی سازش می‌کنند، اما هیچ‌گاه از آرمان‌هایشان دست برنمی‌دارند. چه بخوانند و چه نخواهند آن جامعه آرمانی دیگر تأییدی از آینده آنها ندارد؛ یعنی جوان‌ها نه اینکه به پدر و مادر و کانون خانواده احتیاج ندارند، اما به آن شکل نوستالژیک که تبلیغ آن را می‌کنیم همه باید در کنار یکدیگر باشند، نه. فضای جامعه الان تغییر کرده است. من در «زادبوم» هم ادامه هم حرف را زدم، یعنی گفتم یک خانواده چهارنفره می‌تواند در کنار ما باشند و همه دشمن خونی هم باشند. یک خانواده می‌تواند در اقصا نقاط کره‌زمین همچنان در کنار یکدیگر باشند. همچنان با هم فکر کنند و تصمیم بگیرند و با هم زندگی کنند. این خیلی طبیعی است. من یک مثال برای شما می‌زنم. دختر من پنج‌سال است رفتۀ آمریکا و در آنجا زندگی می‌کند. الان دخترم را بیشتر می‌بینم. حداقل یک‌روز در میان با فیس‌تایم همدیگر را می‌بینیم و با وایبر با یکدیگر صحبت می‌کنیم و بحث می‌کنیم. چیزی که وقتی اینها بود، فرصت آن را نداشتیم. یعنی گونه‌ی اشکالی نمی‌بینیم که کسی آن‌طرف دیاناست و علاقه خانوادگی ما بیشتر شده است.

مدرنیزسم جدا از فرهنگ نیست. چرا من اصرار داشتم در فیلم موسیقی هازدراک اجرا کنم؟ برای اینکه می‌خواستم میان خیام قرن ششمی با فیس‌بوک رخ دیوانه که در قرن بیست‌ویکم دارد اتفاق می‌افتد. ارتباط برقرار کنم و بگیرم خیمه‌های اینها یکی است. وقتی هر دو دارند از حقیقت و مجاز حرف می‌زنند، خیمه‌ایریشان یکی است. حالا این همپایی فرهنگی چگونه می‌تواند شکل بگیرد؟ ما مایه‌های بیکرانی داریم که می‌توانیم با آن سلطه فرهنگی داشته باشیم تا اینکه تحت سلطه جریانی قرار بگیریم، متأسفانه این شرایط هیچ‌وقت خودبه‌خود به‌وجود نیامده است. چرا؟ فلان مدیر می‌گفت این صحنه را از فیلم بردار قشر زیادی از آدم‌های جامعه می‌آیند و آن را می‌بینند، گفتم اتفاقا می‌گذارد تا ببینند و آن را ببینند. چون آن دختر و پسر که فکر می‌کند با اینها چشم و گوشش باز می‌شود، امکانات بیکرانی وجود دارد که با آن می‌تواند چشم و گوشش را در خفا بکشد. فکر می‌کنم بهتر است به‌قول‌سهراب چشم‌های خود را شست‌وشو دهیم و نگاه تازه‌ای به اطرافمان بگیریم.

■ **چگونه به این ترکیب بازیگران رسیدید؟**

کلا اعتقاد دارم که انتخاب درست بازیگر یکی از مساله‌های مهمی است که در فیلمسازی انجام می‌شود و اگر نگویم مهم‌ترین کار کاملاً معتقد هستم که اگر انتخاب درست داشته باشیم، حدود ۶۰درصد از کار شما از قبل انجام شده است. یعنی قبل از اینکه فیلم را بسازید راه درست را رفته‌اید. به همین دلیل انتخاب بازیگر برای من، بسیار مهم است. انتخاب اولیه این فیلم از زمانی شروع شد که من در پنج‌سال گذشته که یک‌بار سعی کردم این فیلم را بسازم، یک گروه از بازیگران را انتخاب کردم. از آن بازیگران، فقط صابر ابر به فیلم امروز آمد که البته نقش او متفاوت شد. در آن زمان نقش دیگری داشت و در اینجا نقش دیگری. پارسال که من داور جشنواره فجر بودم، فرصتی پیش آمد که بسیاری از فیلم‌هایی را که در پنج، شش‌سال قبل ندیده بودم، ببینم.

ادامه در صفحه۱۶

چهره روز

رضا بهبودی «همه چیز می‌گذرد تو نمی‌گذری» را به صحنه می‌برد



● **شرق :** « همه چیز می‌گذرد تو نمی‌گذری» محمد چرمشیر با بازی و کارگردانی رضا بهبودی از ۲۳فروردین در سالن موج‌نو اجرا می‌شود.

این نمایش که یکی از

مونولوگ‌های محمد چرمشیر است، پیش از این نیز در گروه لیو اجرا شده است. همه‌چیز می‌گذرد و تو نمی‌گذری که ساختاری کلازمانند دارد، ماجرای مردی نابیناست که پشت‌ورو سوار بر اسب نشسته و تصاویری را که می‌بیند برای تماشاگران روایت می‌کند و... بهبودی که یکی از اعضای اصلی گروه تئاتر لیو است، این نمایش را با همراهی این گروه به صحنه خواهد آورد. پیش‌فروش بلیت نمایش

«همه‌چیز می‌گذرد تو نمی‌گذری» از هشتم فروردین در سایت تماشاخانه ایرانشهر آغاز می‌شود. براساس اعلام گروه اجرایی این نمایش، کسانی که بلیت نمایش را پیش‌خرد کنند، بلیت ۱۵هزارتومانی را می‌توانند ۱۰هزارتومان خریداری کنند. این نمایش از ۲۳فروردین به‌مدت یک‌ماه در تماشاخانه موج‌نو، واقع در خیابان شریعتی، خیابان میرداماد، رودبار شرقی، پلاک ۵۷، ساعت ۲۰ به صحنه خواهد رفت.

زیر آسمان فیروزهای

خواننده ایرانی نفاول جشنواره «موغام» شد

● **وحید تاج**، مقام اول آواز جشنواره بین‌المللی «موغام» را از آن خود کرد. وحید تاج، خواننده، به ایسا، گفت: «جشنواره بین‌المللی موغام هرسال در کشور جمهوری آذربایجان بین خوانندگان کشورهای آسیایی برگزار می‌شود. خوشبختانه من امسال توانستم به‌عنوان نفر اول و خواننده برتر در رشته آواز برگزیده شوم.»او ادامه داد: من در این اجرا همراه گروه «کهید» و به سرپرستی یحیی شکری روی صحنه رفتم و سعی کردم تا فرهنگ غنی و والای موسیقی آوازی ایران را به نمایش بگذارم. اعضای گروه «کهید» با اجرای شاخص خود در بخش ساز و آواز و در بخش گروه‌نوازی توانستند، اجرای خوبی را از خود به‌نمایش بگذارند. هیات‌داوران هم از آلمان، فرانسه، مراکش، هند، ترکیه، جمهوری آذربایجان و ایران بودند و از ایران، دانش‌ طلایی عضو این هیات بود.» حمید خوانساری (عود)، شیمای بلوکی‌فر (کمانچه)، سپهر لاجوردی (تار)، مرجان مهربان (قانون) و عیسی شکری (دف، دایره و بندیر) از اعضای گروه کهید هستند.

باتجلیل از سایه

نهمین جایزه کتاب سال شعر خبرنگاران پایان یافت

● نهمین دوره جایزه کتاب سال شعر خبرنگاران به تجلیل از یک‌مقر فعالیت شعری امیرهوشنگ ابتهاج (ا.ه) و سایه) و با حضوران نسبت به وضعیت انتشار انبوه مجموعه شعرهای کم‌کیفیت از سوی چند ناشر، به کار خود پایان داد. مراسم پایانی نهمین دوره جایزه کتاب سال شعر خبرنگاران عصر دوشنبه، ۱۲اسفند در بنیاد موقوفات دکتر افشار (کانون زبان پارسی) برگزار شد. در ابتدای این مراسم علی دهباشی، سردبیر و مدیر مجله بخارا به تجلیل از هوشنگ ابتهاج و زبیرانی برای حضور او در این مراسم اشاره کرد: «استاد ابتهاج همواره در این موسم در ایران بود اما آمدن ایشان به ایران به‌دلیل بیماری و بستری‌شدن در بیمارستان، به تأخیر افتاد و طبیعتاً هم مراسم پایانی این جایزه باید امسال برگزار می‌شد؛ به‌همین‌خاطر نتوانستیم در خدمت ایشان باشیم.»همچنین بهرامی، شاعر و دبیر جایزه گفت: «می‌خواهم درباره یک خطر صحبت کنم. در طول این ۹سالی که این جایزه برگزار شده، همواره از سوی داوران هرسال تعداد قابل‌توجهی مجموعه شعر خوانده شده است. بنابراین ما در این سال‌ها، به‌شکلی حسی و برداشتی، به این واقعیت رسیده‌ایم که آنچه در این سال‌ها، بخصوص دو، سه‌سال اخیر در قالب مجموعه شعر منتشر می‌شود، در برآیند خود، با افت تدریجی قابل‌توجهی مواجه است؛ به‌طوری‌که وقتی آثار در یک رقابت قرار می‌گیرند، در همان خوانش اولیه، برخی از آنها به‌سرعت از بقیه پیشی می‌گیرند و تعداد زیادی از آنها جا می‌ماند. این مساله نشانه خوبی نیست.»او در تشریح دلایل این روند عنوان کرد: «یکی از دلایل این موضوع در دو، سه‌سال اخیر، عملکرد ناشران نوظهوری است که زیر عنوان ناشران «تخصصی» شعر فعالیت می‌کنند. البته شاید خیلی جالب نباشد که دبیر یک جایزه شعر این حرف را بزند ولی باید بگویم هدف ما برگزاری جایزه نیست، بلکه جایزه وسیله‌ای است برای پرداختن به اهداف دیگر شعر. واقعیت این است که این‌دست از ناشران، ناشر تخصصی شعر نیستند. شاید در بهترین حالت، ناشر اختصاصی شعرند. یعنی ناشری که فقط کتاب شعر چاپ می‌کند. ناشر تخصصی شعر، انتشارات «آهنگ‌دیگر» بود که شاعران استخوان‌داری که درعین‌حال نگران آبروی ادبی‌شان بودند، آن را ایجاد و مدیریت کردند.